

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال پنجم، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۸

صص ۱۶۹-۱۹۰

پهنه‌بندی و تحلیل نواحی جرم‌خیز و آسیب‌زای سکونتگاه‌های شهری استان گلستان

دکتر جعفر میرکتولی* - استادیار جغرافیای انسانی، دانشگاه گلستان
علی وطنی - کارشناس ارشد علوم اجتماعی و مدرس مراکز آموزش عالی

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۲

چکیده

این مقاله با هدف ارائه تصویری از وضعیت مکان‌های جرم‌خیز و آسیب‌زای استان گلستان با تأکید نواحی شهری تهیه گردیده است. بدین منظور اطلاعات حاصله از روش «میدانی» و «اسنادی»، وارد سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) شد و با استفاده از نرم‌افزار Arc GIS 9.2 و برنامه‌های جانبی 3D Analyst و Crime Analysis، کار تجزیه و تحلیل جرایم در سطوح شهری، شهرستانی و استان انجام گردید. نتایج پردازش، لایه‌های نقطه‌ای وقوع جرم و هویت مکانی شهرها و شهرستان‌های استان را نشان می‌دهد. بیشترین فراوانی نوع جرم در دو شهرستان بزرگ استان، گرگان و گنبدکاووس به ترتیب به سرقت و خودکشی اختصاص داشته است. همچنین بیشترین فراوانی نوع جرم در شهرهای استان به قاچاق مواد مخدر، خودکشی و قتل و سرقت اختصاص داشته است که میزان فراوانی آن تحت تأثیر ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شهرها متفاوت است. بررسی وضعیت پراکنش مکان‌های جرم‌خیز بویژه نواحی شهری استان مؤید برخی از نظریه‌های ارائه شده در این زمینه است. از جمله، دورکیم که معتقد به وجود رابطه بین افزایش جرایم و افزایش جمعیت شهرها بود، «جرج کینگ و جمیز کیو» نیز که محیط‌های آسیب‌دیده و مخروبه شهری را در ایجاد بی‌نظمی و وقوع جرم در شهرها مؤثر دانسته‌اند. «هال» که بر رابطه بین افزایش جمعیت، رشد و توسعه شهرنشینی، افزایش جنایت و بزهکاری تأکید داشت، «لاوین» که تراکم زیاد جرایم خیابانی و نوع کاربری زمین شهری را در ارتباط می‌دانست. در مجموع نتایج حاصله با بسیاری از مطالعات نظری و تجربی مشابه پیشین، همخوانی داشته و قابل تبیین است.

واژه‌های کلیدی: استان گلستان، مکان‌های جرم‌خیز، نقاط آسیب‌زا، GIS.

طرح‌ها ۴

رشد شتابان و نامتوازن جمعیت شهری در جهان و بویژه در کشورهای جهان سوم در دهه‌های اخیر، باعث بروز نگرانی شده است. این موضوع که در آینده نزدیک، فقر و تنگدستی، عدم اشتغال، کمبود وسایل زندگی و رفاه (از قبیل مسکن، سوء تغذیه، ناسالم شدن محیط طبیعی و از بین رفتن امکانات طبیعی و آلودگی هوا) که به دنبال رشد سریع جمعیت شهری، توسعه صنعت و بهره‌برداری بی‌رویه از مواهب طبیعی صورت می‌گیرد، حیات انسان روی کره زمین را آسیب‌پذیر ساخته است. ایجاد محیط‌های ناسالم و ناامن، آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی، محیط زندگی را بیش از پیش ناسالم و غیرقابل تحمل می‌سازد و این مسئله که در تمامی سطوح و زوایای فردی، اجتماعی و کالبدی تأثیر گذاشته، در کشورهای در حال توسعه بیشتر احساس می‌شود. در این میان گرایش به سوی شهرهای بزرگ و توسعه شهرنشینی و مهاجرت روستائیان به شهر و سکونت در حواشی اطراف شهرها و محلات خاص، پیچیدگی‌های خاصی را به این جوامع تحمیل نموده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که هرچه اندازه و جمعیت محیط‌های زندگی بیشتر شود، عوامل زمینه‌ساز ایجاد کالدهای شهری سیاه و جرم‌خیز بیشتر می‌شود. به عقیده ورت^۱، «شهرنشینی نتایجی از قبیل افزایش اندازه جمعیت را در پی دارد که خود باعث پیامدهای اجتماعی و روان‌شناسی در زندگی شهری می‌شود» (Knox, 1993: 58). همچنین هال عقیده دارد که «انفجار جمعیت در شهرهای دنیا منجر به ایجاد چرخه‌های رفتاری مخربی می‌شود که حتی از بمب هیدروژنی هم مهلک‌تر است» (هال، ۱۳۷۶: ۲۲۷). علاوه بر آن با افزایش جمعیت، تنوع در فرهنگ پیش می‌آید و به تبع انسجام و توافق اجتماعی کم‌رنگ‌تر می‌شود (Knox, 1993: 57). در چنین وضعیتی، تسلط تشکیلات و سازمان‌های دولتی و نیروی انتظامی کاهش می‌یابد، کنترل اجتماعی تضعیف می‌گردد و در نتیجه بی‌نظمی اجتماعی، قانون‌شکنی و بی‌احترامی به موازین و ضوابط جامعه افزایش می‌یابد (سلطانی، ۱۳۷۴: ۱۲۰). مقایسه میزان وقوع جرایم در روستا و شهر مبین این واقعیت می‌باشد که هرچه تعداد جمعیت یک ناحیه فزونی یابد، زمینه برای بروز

^۱ - Wirth

و گسترش آسیب مستعد می‌گردد. همانگونه که لی^۱ اظهار داشته است «در مناطق شهری دارای بیش از ۲۵۰ هزار نفر جمعیت نسبت به شهرهای کوچک، میزان قتل ۳ برابر، جرایم ملکی ۵ برابر، جرایم خشونت بار ۱۰ برابر و دزدی ۴۰ برابر بیشتر اتفاق می‌افتد» (Walmsly, 1988: 140). با توجه به واقعیات مزبور و گسترش روند شتابان شهرنشینی و رشد نامتوازن مناطق، راه برای طرح سؤال اساسی این نوشتار هموار می‌گردد، «چه نقاطی در استان گلستان مستعد وقوع آسیب‌های اجتماعی و جرم‌زا (نقطه داغ) است؟» با عنایت به ضرورت اتخاذ برنامه‌های مداخله‌گرایانه برای پیشگیری و کاهش جرایم، متناسب با بافت محلی در تهیه و اجرای برنامه‌ها، این نوشتار در صدد است با کنکاشی نظام‌مند، پراکنش جرایم را با در نظر گرفتن هویت مکانی به صورت لایه نقطه‌ای، شناسایی و منعکس نماید.

پیشینه تجربی

پژوهشگران جرم اصطلاحاً، «مکان‌های جرم‌خیز» را بیانگر یک مکان با میزان بالای جرم تعریف می‌کنند. محدوده این مکان بخشی از شهر، یک محله کوچک و یا چند خیابان مجاور یکدیگر و حتی ممکن است یک خانه یا یک مجتمع مسکونی باشد. تعریفی دیگر، این اصطلاح را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش‌بینی، حداقل در یک دوره زمانی یک‌ساله دانسته است (Taylor, 1998: 3). دیدگاه مکان‌های جرم‌خیز، ابتدا توسط «شرمن»، «گاتین» و «برگر» در سال ۱۹۸۹ مطرح شد که مبتنی بر سبب‌شناسی مکانی جرم بوده است. بر مبنای این تئوری، برخی محدوده‌ها یا نقاط خاص از شهر به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، اجتماعی و اقتصادی دارای تعداد زیادی جرم می‌باشد که فضاهای شهری نظیر پایانه‌ها و ایستگاه‌های حمل و نقل و برخی گذرگاه‌ها و نواحی حاشیه شهر، دارای این ویژگی هستند (Sherman, 1989: 27-55). بر اساس این رویکرد، فضاهای شهری می‌توانند بر میزان و شدت و ضعف جرایم تأثیر بگذارند و این موضوع نقطه عطف پیدایش و گسترش مطالعات جغرافیای جرایم شهری که در چند دهه اخیر رشد و بالندگی یافته، می‌باشد. این چارچوب مبتنی بر رابطه تحلیلی فضا، زمان، نوع جرم و مکان وقوع جرم است. بسیاری از

^۱ - Ley

صاحب‌نظران معتقدند: «در بررسی‌های جغرافیایی جرایم شهری به چهار عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم (شیء یا شخص) و مکان جرم (محدوده خاص زمانی و مکانی که وقایع مجرمانه در آن اتفاق می‌افتد)، تأکید فراوان می‌شود» (Brown, 2000: 2). در مطالعه حاضر، به کمک سامانه اطلاعات جغرافیایی، محل ارتکاب جرایم را بر حسب نوع و فراوانی آن در سطح نقاط شهری، دهستان و شهرستانهای استان گلستان شناسایی کرده است. از آنجایی که به موازات گسترش شهرنشینی، روند رو به رشد مکان‌های جرم‌خیز در نواحی شهری شکل می‌گیرد، لذا به‌طور مختصر به ادبیات این حوزه و تبیین رابطه تعاملی این دو متغیر پرداخته می‌شود.

شهر مجموعه‌ای از روابط متقابل ویژه‌ای است که از نقش و بافت نهادهای درونی آن نشأت می‌گیرد. بنابراین بدون ارائه یک تعریف ذهنی، وجود شهر را بر پایه ویژگی‌های عینی، یعنی کیفیت ساختار جامعه و نقش اقتصادی و اداری آن می‌پذیریم نه صرفاً کمیت جمعیتی (شیخاوندی، ۱۳۸۴: ۳۱۷-۳۱۶). همچنین برخی از اندیشمندان تعریف قابل درکی از فضای شهری ارائه داده‌اند: «فضای شهری ساختاری سازمان یافته، آراسته و واجد نظم به صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسانی است» (توسلی، ۱۳۷۱: ۱۸). بخشی از اعمال و فعالیت‌های انسانی در مکان و فضا اتفاق می‌افتد و بنا به گفته آنتونی گیدنز «فضا مجموعه‌ای کالبدی برای تعاملات اجتماعی است» (Giddens, 1990: 243). فضا را بر اساس میزان «مهار تعاملات اجتماعی» به سه دسته تقسیم می‌کنند:

الف: فضا عمومی: فضایی است که «دسترسی» به آن برای همه اعضای جامعه امکان‌پذیر است اما فرد در انجام اعمالش آزادی کامل ندارد و هنجارها و قوانین جامعه را در نظر می‌گیرد.

ب: فضای نیمه عمومی یا نیمه خصوصی: فضایی است که برای استفاده عموم آزاد است اما به دلیل محدودیت در هدف و کاربری آن، استفاده‌کنندگان خاص دارد.

ج: فضای خصوصی: فضایی است که به وسیله اشخاص اشغال می‌شود (Rapoport, 1977: 289). بررسی روابط میان شهر و شهرنشینی و بزهکاری در اواسط سده‌وزدهم شدیداً مورد

توجه واقع شد (کامیار، ۱۳۷۹: ۳۹).

دانشمندانی نظیر دورکیم^۱ (۱۸۵۸-۱۹۱۷)، زیمل^۲ و وبر^۳ (۱۸۶۴-۱۹۲۰) به بررسی تأثیرات روان‌شناسی و اجتماعی شهرنشینی ناشی از انقلاب صنعتی پرداختند. هسته اصلی تحلیل اجتماعی این دانشمندان مبتنی بر ارتباط بین اندازه جامعه و درجه اخلاقی آن بود (Knox, 1993: 57). بررسی علمی پیرامون نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زا برای اولین بار در نیمه اول قرن نوزدهم به وسیله «کتله» و «گری» صورت پذیرفت (انسولن، ۲۰۰۰: ۲۱۶). در سال ۱۹۳۵ «راسن» در انگلستان و ولز نتیجه گرفت که تراکم جمعیت یکی از عوامل اصلی جرم و جنایت می‌باشد. از نخستین پژوهشهایی که درباره تأثیر محیط کالبدی بر جرایم منتشر شده است، باید از اثر ماندگار «نیومن»^۴ یاد کرد که در سال ۱۹۷۲ منتشر شد. در این اثر او هشت عامل طراحی را که با میزان ارتکاب جرایم در ۱۶۹ طرح مسکن دولتی همبستگی چشمگیری داشتند، مشخص کرد و نشان داد که با اصلاح هر یک از عوامل میزان جرایم کاهش می‌یابد (Newman, 1972). از دیگر پژوهشهایی که در این زمینه انجام شده است باید از کوششهای پژوهشگران هلندی یاد کرد که از اوایل دهه ۱۹۷۰ تا به امروز به‌طور فعال در این زمینه به پژوهش پرداخته‌اند. ایشان به ابعاد مختلف مسأله از جمله تأثیر بناهای بلند مرتبه و تراکم مسکونی در رفتار اجتماعی، و همچنین تأثیرات اضطراب و ترس در محیط کالبدی و ارتباط آن با جرایم توجه خاصی داشته‌اند و حتی راهنمایی‌هایی نیز برای کاهش جرایم از طریق طراحی محیط کالبدی تدوین نموده‌اند (Voordt, 1988). از آثار مهم دیگر در این باره باید به پژوهشهای مری^۵ در سال ۱۹۸۱، پوینر^۶ در سال ۱۹۸۳، اسمیت^۷ در سال ۱۹۸۶ و کلمن^۸ و همکاران در سال ۱۹۸۵ اشاره کرد. در آثار اخیر اصول غیرعلمی و طراحی محیط کالبدی برای کاهش میزان جرایم با تفصیل و کاربرد بیشتری مطرح شده است. «کتله» و «گری» در سال ۱۸۳۳ نخستین پژوهش‌های علمی جغرافیایی جرم را با بهره‌گیری از اندیشه‌های اکولوژی اجتماعی انجام

- 1 - Durkheim
- 2 - Simmel
- 3 - Weber
- 4 - Newman
- 5 - Merry
- 6 - Poyner
- 7 - Smith
- 8 - Coleman

داده‌اند. آنها به تشریح میزان جرم در رابطه با شرایط اجتماعی و سکونتی مختلف پرداختند. متفکران مکتب اکولوژی از جمله «شاو» و «مک‌کی» برخی متغیرهای جمعیتی (ساخت جنسی و سنی) و اقتصادی (درآمد) و مشخصه‌های مکانی (از جمله مشخصات مناطق مختلف شهری یا محل سکونت جرم) در رابطه با جرم در نظر گرفته‌اند (کی‌نیا، ۱۳۷۹: ۴۶۹). تحقیقات متخصصان مرکز جرم‌شناسی و کرسون درباره عوامل مؤثر در بزهکاری، نشان می‌دهد که ۲۳ درصد جوانان مجرم در مناطقی زندگی می‌کردند که دارای جمعیت زیاد بوده و ۲۲ درصد آنها در ساختمان‌هایی زندگی می‌کردند که علاوه بر کثرت جمعیت، مشکل مسکن نیز وجود داشته است. همچنین دکتر لافون^۱ و خانم میشو^۲ در سال ۱۹۷۶ تحقیقاتی در شهر گرانوبل فرانسه انجام داده و به روشنی مشخص کرده‌اند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمانهای ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاق زیان آور است و یا در محله‌های کارگر نشین ساکن بوده‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان در این محلات و ساختمانهای مخروبه، از حد متوسط مجموع بزهکاری‌های شهر زیادتر بوده است. در واقع ۱۸ درصد بزهکارانی که به جرائم گوناگون مرتکب شده‌اند، اغلب در محله‌های مخروبه و ناسالم ساکن بوده، و ۳۵ درصد آنان کسانی بودند که در ساختمان‌ها و محلات بدنام و فاسد ساکن بودند. این پژوهندگان نیز در پایان بحث‌های خود، رابطه محیط سکونت و بزهکاری را تأیید می‌نمایند (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۲۹-۲۷). در بررسی جرایم خیابانی ممکن است در مکانهای جرم‌خیز و آسیب‌زای شهری به نوع کاربری زمین و سهولت جایگزینی آنها، تراکم زیادی وجود داشته باشد (لاروین، ۱۹۹۷) بعضی مکانها بیانگر جرایم عمومی‌اند و با پتانسیل بالای خود، طعمه‌ها را به آسانی در خود جذب می‌کنند؛ زیرا در این مکانها پیاده‌روها و رفت و آمدهای عمومی زیادی وجود دارد، جاهای دیگر (بیانگر جرایم جاذبه‌ای‌اند) به دلیل شهرت ممکن است پتانسیل بالایی در جلب و جذب خلافکارها داشته باشد. بنابراین پلیس کارآمد ممکن است در یک منطقه معین با توجه به موارد فوق در ایستگاه‌های فرعی دارای عملکردهای متفاوتی باشد (تیلر، ۱۹۹۷).

^۱ - Dr. Lafon

^۲ - Mme- Michoux

یکی دیگر از مقوله‌های زمینه‌ساز جرائم در محیط‌های شهری به خصوص در شهرهای بزرگ، مزاحمت‌های خیابانی برای زنان و عابرین پیاده می‌باشد که نوع فضا و کاربری‌ها در این نوع کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌های بسیار تأثیرگذار است پیاده‌روهای تنگ در محل‌های موقت که در این پیاده‌روها توسط شهرداری‌ها در نظر گرفته می‌شود به علاوه سد معبرهایی که توسط دست‌فروشان ایجاد می‌گردد محل‌های مناسبی را جهت ارتکاب به بزهکاری و مزاحمت فراهم می‌آورند و گاهی حتی جان شهروندان را هم به خطر می‌اندازند. در بسیاری معابر امکان رفت و آمد بانوان حتی در ساعات اولیه شب هم وجود ندارد. جوامع شهری و روستایی دارای شیوه‌های زندگی متفاوتی هستند. اختلاف در شیوه زندگی میان شهر و روستا باعث شده است که برخی از محققان، شهرنشینی را توأم با گناه و خطا بدانند و روستانشینی را توأم با پرهیزکاری و پاکدامنی (شکویی، ۱۳۷۲: ۹۷). اگرچه در روستاها هم جرایمی انجام می‌شود ولی میزان و نوع آن با جرایم شهری تفاوت دارد. به عقیده برخی، در مناطق روستایی بزهکاری خشونت‌آمیز و فیزیکی (قتل و درگیری) بیشتر اتفاق می‌افتد، حال آنکه در شهرها بزهکاری سودجویانه بیشتر ارتکاب می‌یابد (کامیار، ۱۳۷۹: ۳۹). سرقت‌های مسلحانه، کیف‌زنی، تجاوز به حقوق دیگران، قاچاق و نظایر اینها از همین نوع‌اند. به‌عنوان مثال، توزیع مواد مخدر نیازمند تجمع دو یا چند نفر محدود است که حاشیه برخی از پارک‌ها و فضاهای داخل آنها، عقب‌نشینی ساختمان‌های نوساز در داخل کوچه‌های بافت‌های قدیمی شهر (سفیری، ۱۳۸۱). معابر خلوت و کم‌تردد در بعضی از ساعات شبانه‌روز و یا فضاهای فاقد روشنایی در شب، این فضا را پدید می‌آورند؛ در حالی که فروش نوارهای غیرمجاز در میدان‌های شلوغ و پر رفت و آمد شهر صورت می‌گیرد. برای وقوع بعضی از جرایم مانند سرقت از خانه‌های مسکونی و یا خشونت علیه زنان ممکن است هم متجاوز و هم قربانی در یک محل باشند؛ در حالی که در جرایم عمومی خیابان‌ها مانند دستبرد و یا ارتکاب به اعمال خلاف نه متجاوز و نه طعمه (هدف) هیچ یک در یک جا ثابت نمی‌باشند مطمئناً در وقوع برخی از جرایم خیابانی که ممکن است منجر به موقعیت گردند، مکان دارای نقش اساسی می‌باشد. در جایی که موقعیت هدف‌ها ثابت‌اند موارد سرقت راحت‌تر است و یا جایی که شرایط خاص و راحتی حاکم است یورش به بارها و میخانه‌ها تأثیر نقش مکان را اثبات می‌کنند.

تحقیقات شیکاگو، اسکان شبانه‌روزی آن دسته از جوانان و نوجوانانی که از مناطق مختلف شهر به دادگاه ویژه این افراد ارجاع شده بودند، برنامه‌ریزی کرد. این مطالعات نشان داد که توزیع بزهکاران در اطراف و اکناف شهر با یک الگوی نظام‌دار تناسب دارد. نرخ‌های بزهکاری در بین افراد طبقه پایین در محلات قدیمی شهر در بالاترین حد امکان بود و در مناطق مرفه‌تر کاهش می‌یابد ... همچنین، الگوی کاهش نرخ‌های بزهکاری، به موازات افزایش فاصله از اهالی ساکن در محلات قدیمی شهر، در ارتباط با گروه‌های نژادی یا قومی، ملاحظه گردید. این یافته‌ها با مراجعه به نظریه بوم‌شناسی شهری که شهر را همانند جوامع بوم‌شناسی طبیعی متشکل از گیاهان و حیوانات مد نظر قرار می‌داد، تبیین می‌شد (Akers, 2004: 159-160).

تحقیقات تجربی کالهن (۱۹۶۲) نیز نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین ازدحام و تراکم و رفتار خشونت‌آمیز در بین موشهای آزمایشگاهی دیده شده است. احتمال می‌رود که انسان نیز در شرایط تراکم بیش از حد ازدحام، چنین واکنشی را از خود نشان دهد و بالاخره مطالعات لانسینگ (۱۹۷۰) نشان می‌دهد که با افزایش تراکم، انزوای اجتماعی نیز افزایش می‌یابد به طوری که روابط همبستگی منفی بین تراکم جمعیت و شناخت همسایه وجود دارد (رضازاده، ۱۳۸۱: ۶۳ - ۵۲). عزت‌ا... مافی (۱۳۷۸) در بررسی جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری (وین - مشهد) نتیجه گرفت که مجرمان شهری بیشتر در محله‌های کم‌درآمد سکونت دارند. عبادی‌نژاد در مطالعه جغرافیایی جرایم شهری به کانون‌های شکل‌گیری ناهنجاری و نقاط آسیب‌خیز و جرم‌خیز شهرها به شرح ذیل پرداخته است: میدان‌های شهری، معابر و تقاطع‌ها، مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، پایانه‌ها و محدوده‌های مسکونی از مهمترین کانون‌های بحران‌زا محسوب می‌شوند. حیدری در بررسی وضعیت جرم و رابطه آن با شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی و جمعیتی کشور طی ده سال گذشته (۱۳۸۰-۱۳۷۰) پرداخته که نتایج حاصله به نحو معنی‌داری افزایش نقاط آسیب‌زا و میزان جرایم را نشان می‌دهد.

به‌طور کلی از دهه ۱۹۹۰ علاقه و توجه فزاینده به پژوهش‌های مربوط به مکان و جرم در محافل علمی جهان صورت گرفته است که پیشرفت‌های فنی و راهیابی به پژوهش‌های کاربردی در جغرافیا بویژه به کارگیری نرم‌افزارهای سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در تحلیل فضایی جرایم از بعد مکانی (شهری و روستایی)، نقش مؤثری در ارتقاء سطح کیفی و شناخت علمی ابعاد مسأله داشته است.

بی‌ظریه

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بررسی عمده نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی که معطوف به آسیب‌های شهری هستند را به بازه زمانی انقلاب صنعتی و بویژه نیمه دوم قرن نوزدهم دانست. بررسی روابط میان شهر و شهرنشینی و بزهکاری نیز در اواسط سده نوزدهم شدیداً مورد توجه واقع شد. دانشمندان و متخصصان بوم‌شناسی ضمن بررسی‌های خود درباره تأثیر عوامل محیط طبیعی، دریافته‌اند که بین رفتارهای مختلف انسانی و عوامل محیط طبیعی مانند آب و هوا و زمین و نوع منابع طبیعی مانند کوهستانی بودن محل سکونت و نواحی شهری و روستایی رابطه مستقیم وجود دارد. پیشگامان مکتب اکولوژی شهر شیکاگو، مسائل اجتماعی از جمله میزان جرایم را در تفاوت‌ها و خصیصه‌های مکانی جستجو می‌کردند (شکویی، ۱۳۷۲: ۱۰۵). تحقیقات شیکاگو، اسکان شبانه‌روزی آن دسته از جوانان و نوجوانانی که از مناطق مختلف شهر به دادگاه ویژه این افراد ارجاع شده بودند، برنامه‌ریزی کرد. این مطالعات نشان داد که توزیع بزهکاران در اطراف و اکناف شهر با یک الگوی نظام‌دار تناسب دارد. نرخ‌های بزهکاری در بین افراد طبقه پایین در محلات قدیمی شهر در بالاترین حد امکان بود و در مناطق مرفه‌تر کاهش می‌یابد ... همچنین، الگوی کاهش نرخ‌های بزهکاری، به موازات افزایش فاصله از اهالی ساکن در محلات قدیمی شهر، در ارتباط با گروه‌های نژادی یا قومی، ملاحظه گردید. این یافته‌ها با مراجعه به نظریه بوم‌شناسی شهری که شهر را همانند جوامع بوم‌شناسی طبیعی متشکل از گیاهان و حیوانات مد نظر قرار می‌داد، تبیین می‌شد (Akers, 2004: 159-160)

جین جیکوبس^۱ بر کاربری مختلط از زمین^۲ تأکید کرده و معتقد است که محله‌های دارای کارکرد گوناگون (مثل کارکرد سکونت، تجاری، اداری، تفریحی و ...) بیشتر از محله‌های تک‌کارکردی، دارای امنیت هستند. محله‌های چند کارکردی^۳ سبب می‌شوند که در طی روز و غروب تعداد زیادی از انسان‌ها در محله حضور داشته باشند و این سبب افزایش نظارت غیر رسمی می‌شود. برعکس، فعالیت بزهکارانه بیشتر در محل‌های خلوت و آرام، احتمال وقوع

^۱ - Jane Jacob

^۲ - Diverse land use

^۳ - Multi-functional

دارند (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۴۳). نقاط گردش و تفریحی درون شهرها و مکان‌هایی که دارای بیشترین ازدحام هستند نسبت به نقاط آرام، جرم‌زایی بیشتری دارند. مناطق درونی شهرها که شرایط محیطی مطلوبی ندارند و برای تجمع مهاجران تازه وارد مناسب‌اند، به همراه زاغه‌ها و حلبی‌آبادهای اطراف شهر که دارای تراکم‌های بالا و نامناسب‌اند، به عنوان مکانهایی با بیشترین میزان جرم و بزهکاری شناخته شده‌اند. جرایم خشونت بار اغلب در مناطقی که ویژگی‌هایی همانند مناطق درونی شهر دارند دیده می‌شوند (Walmsly, 1988: 41). معمولاً محله‌های پرجمعیت شهرها به علت کمبود امکانات اقتصادی و اجتماعی، انحرافات اجتماعی بیشتری دارند. بی‌میلی بسیاری از مردم برای سکونت در مناطق داخلی شهر به علت ترس از جرایم می‌تواند باعث کاهش ارزش زمین‌های سکونتی این مناطق شود و به پراکندگی حومه‌ها دامن زند و بدین وسیله به مشکلات مالی و برنامه‌ریزی شهرها کمک کند (همان، ۱۴۵). امس راپاپورت^۱ تفاوت محیط‌های کالبدی را ناشی از «تفاوت‌های فرهنگ‌ها» می‌داند.

به نظر او بهترین راه تجربی ساختن فرهنگ، شناخت نظام فعالیتها و شیوه زندگی است. برنامه‌ریزی شهری در نظر او سازماندهی چهار عامل در محیط است: فضا، معنا، ارتباط و زمان. آنها به‌طور نظام‌یافته با فرهنگ هر جامعه رابطه دارند (Rapoport, 1977: 9-14). نظریه پنجره شکسته^۲ که توسط جیمز ویلسون و جورج کلینگ^۳ مطرح شده، ناظر بر این موضوع است که «در محله‌ای که در آن نمادهای بی‌توجهی وجود دارد نظیر: زباله انباشته شده، نمای کثیف بیرونی، بی‌نظمی در ساختمان‌ها و پنجره‌های شکسته شده، تمام این نمادها نشان می‌دهند که مردم این محله فاقد حس اجتماعی قوی نسبت به محله خود هستند. لذا به‌طور ضمنی به افراد بزهکار این پیام منتقل می‌شود که ساکنان محله چندان حساسیت و واکنشی نسبت به فعالیت‌های بزهکارانه نخواهند داشت. این اختلال و بی‌نظمی فیزیکی همچنین سبب می‌شود که ساکنان محله، ترس زیادی از وقوع جرم داشته باشند. افزایش احساس ترس و ناامنی منجر به کاهش حس تعلق عاطفی به محله شده و این خود احتمال وقوع جرم در محله را افزایش

^۱ - Amos Rapoport

^۲ - Broken Window

^۳ - Wilson and Kelling

- ارتباط روش‌شناسی تحقیق، بین فراوانی وقوع جرم و مکان جغرافیایی چگونه است؟
- پراکندگی نقاط، نواحی و پهنه‌های جرم‌زا و آسیب‌خیز شهری استان گلستان چگونه است؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی می‌باشد و داده‌ها ی مورد نیاز از طریق پرسشنامه طراحی شده توسط محققین که اعتبار صوری آن به تأیید کارشناسان فن رسید، بر مبنای ماهیت اهداف تحقیق جمع‌آوری شد. جامعه آماری این پژوهش، شامل تمامی زندانیان استان که محل وقوع افعال مجرمانه آنان در محدوده جغرافیایی استان به وقوع پیوسته و اسناد دستگاه‌ها و نهادهای دخیل در فرآیند موضوع و همچنین داده‌های ثانویه مربوط به جرایم و آسیب‌هایی که محل وقوع آن در حوزه استان در طی سالهای ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۶ بوده، می‌باشند. در ارتباط با جمعیت آماری زندانیان قریب به یک سوم آنها با استفاده از روش تلفیقی «سه‌میه‌ای تصادفی طبقه‌ای با اعمال متغیر نوع جرم به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و در بخش داده‌های اسنادی به دلیل وجود قوانین پیچیده از یک سو و غلبه رویکرد مجرمانه و نگاه غالب امنیتی و فقدان بانک اطلاعاتی مورد نیاز در خصوص مشخصات مکانی جرایم از سوی دیگر، حجم نمونه با اعمال ضوابط علمی، تا حد دسترسی به داده‌ها انتخاب و از روش نمونه‌گیری «غیراحتمالی هدفمند» استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

اطلاعات حاصله از طریق روش میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه، ابتدا کدگذاری و وارد محیط نرم افزار SPSS11 شد. پس از ویرایش داده‌ها و تجمیع آنها، جهت تعیین مکان وقوع آسیب‌ها وارد سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) شد و با استفاده از نرم‌افزار Arc-GIS 9.2 و برنامه‌های جانبی 3D Analyst و Crime Analysis، تجزیه و تحلیل جرایم در سطح شهر، شهرستان‌ها و سطح استان در محیط GIS انجام گرفت. برای تهیه نقشه پراکنش جرایم در سطح استان گلستان به تفکیک شهر، دهستان، شهرستان موقعیت مکانی جرایم بر روی نقشه‌های ۱:۲۰۰۰ شهرها، ۱:۲۵۰۰۰ توپوگرافی رومی تصاویر و عکسهای هوایی با توان تفکیک مناسب

مشخص و به صورت یک لایه نقطه‌ای در محیط GIS تهیه گردید. سپس اطلاعات جمع‌آوری شده شامل نوع جرم و فراوانی جرم برای هر نقطه در جدول اطلاعات توصیفی لایه جرمها ثبت گردید. سپس به منظور آدرس‌دهی دقیق مکانهای وقوع جرم، لایه پراکنش جرایم بر روی تصاویر و نقشه‌های شهری قرار گرفت. به منظور تهیه لایه طبقات جمعیتی و تراکم جمعیت، ابتدا جمعیت سال ۱۳۸۵ شهری، شهرستانها و دهستانها استان (با استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵) به جدول اطلاعات توصیفی لایه شهرها و دهستانهای استان اضافه گردید. سپس نقشه طبقات جمعیتی با تکنیک کروپلت و با روش تکه‌های طبیعی^۱ در ۵ طبقه، گروه‌بندی گردید.

به منظور تهیه نقشه فراوانی جرایم پس از مشخص کردن موقعیت مکانی جرایم و نیز ثبت اطلاعات نوع جرایم و فراوانی آنها در جدول اطلاعات توصیفی اقدام به نمادسازی با تکنیک کروگرافیک^۲ گردید. سپس میزان فراوانی جرایم به تفکیک نوع جرم در سطح هر شهرستان، شهر و استان به صورت نمودار ستونی تهیه گردید.

برای تهیه نقشه تراکم جرم نسبت به جمعیت شهر، شهرستان و دهستان پس از ثبت اطلاعات قلمروهای جغرافیایی مورد بررسی، میزان تراکم جرم نسبت به جمعیت از رابط، میزان فراوانی جرم نقشه تراکم جرم به ازای هر ۱۰/۰۰۰ نفر جمعیت تهیه سپس با استفاده از میزان جمعیت تکنیک کروپلت و با روش تکه‌های طبیعی در ۵ طبقه، گروه‌بندی گردید. بدین منظور نقشه تراکم جرایم در سطح استان با استفاده از تکنیک^۳ تهیه گردید به طوری که در نقشه تهیه شده، هر نقطه^۴ معادل ۳ جرم می‌باشد. سپس نقشه فوق بر روی نقشه طبقات تراکم جمعیتی شهرستانها و دهستانها قرار گرفت. به منظور پهنه‌بندی احتمال خطر جرایم در سطح شهرستانهای استان، با توجه به موقعیت مکانی جرایم در سطح هر شهرستان و نیز فراوانی جرمها، اقدام به درون‌یابی جرایم با استفاده از تحلیل سه بعدی^۵ در محیط GIS گردید. و نقشه

^۱ - Natural Breaks

^۲ - Chorographic Compuye Maps

^۳ - Dot Density

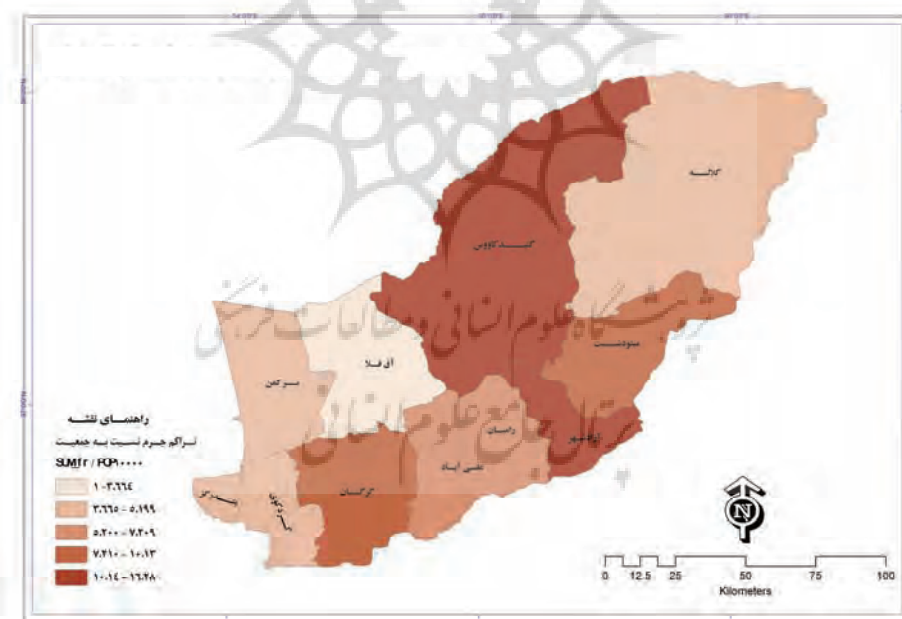
^۴ - Dot

^۵ - 3D Analyst

پهنه‌بندی خطر جرایم به تفکیک نوع جرم برای هر شهرستان در ۵ طبقه (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) تهیه گردید.

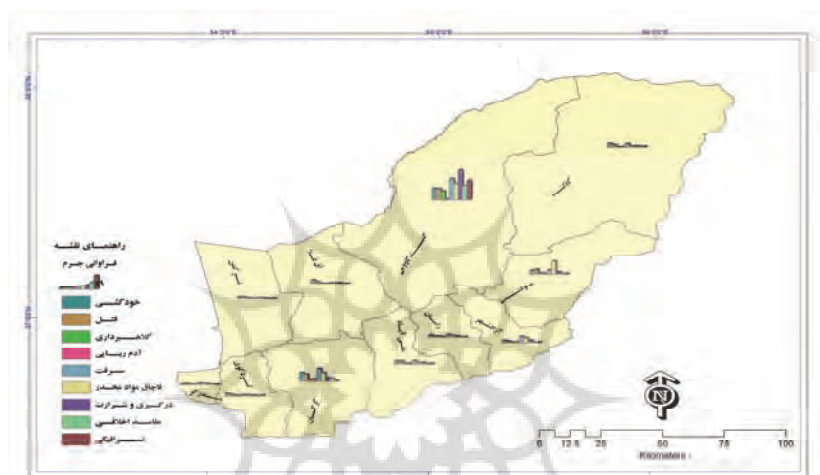
بحث و بررسی یافته ۱

یافته ای هویت مکانی جرایم استان گلستان بر روی نقشه‌های موضوعی منعکس شده که به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند. نقشه شماره ۱ تراکم جرم نسبت به جمعیت شهرستانهای استان را نشان می‌دهد. داده‌های این نقشه از تقسیم میزان فراوانی جرم وقوع یافته در سطح شهرستان به جمعیت آن شهرستان ترسیم شده است. طبقه‌بندی نقشه با استفاده از روش طبقه‌بندی تکه‌های طبیعی در ۵ طبقه صورت گرفت که نتایج حاصله نشان می‌دهد شهرستان‌های آزادشهر و گنبد کاووس به نسبت جمعیت تراکم وقوع جرم بیشتری دارند (نقشه‌های شماره ۱ و ۲).

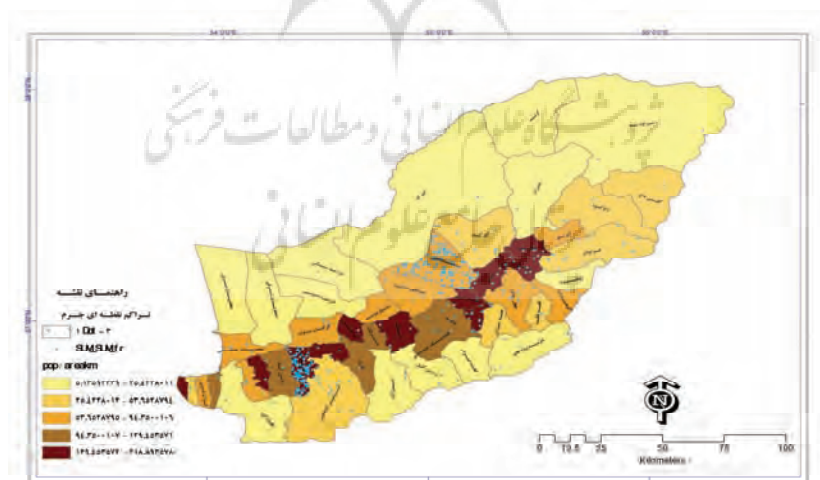


نقشه شماره ۱: تراکم جرم نسبت به جمعیت شهرستان‌های استان گلستان

نقشه شماره ۳ تراکم جرم نسبت به جمعیت دهستان‌های استان از طبقه‌بندی تراکم جرم نسبت به جمعیت دهستان‌ها با تکنیک کروپلت و با روش تکه‌های طبیعی ترسیم شده است. اطلاعات این نقشه حاکی از آن است که نقاط شهری دهستان‌های انجیراب و سلطانعلی بیشترین تراکم جرم را نسبت به جمعیت شهری خود در بین دهستان‌های استان دارند.



نقشه شماره ۲: نقشه فراوانی میزان و نوع جرم در شهرستان‌های استان گلستان

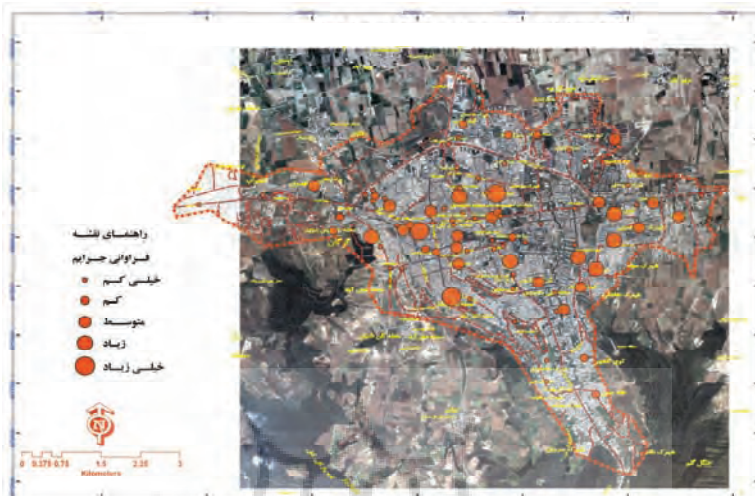


نقشه شماره ۳: تراکم جرم نسبت به تراکم جمعیت دهستان‌های استان گلستان

نقشه‌های شماره ۱ و ۲ حاکی از آن هستند که شهرهای گرگان و آزادشهر دارای بیشترین تراکم جرم نسبت به مساحت هستند و شهرستان‌های آق‌قلا و کلالة کمترین تراکم جرم را دارا می‌باشند. نقشه شماره ۳ حاکی از آن است که دهستان انجیراب و دهستان سلطانعلی دارای بیشترین تراکم جرم نسبت به مساحت می‌باشند. بررسی وضعیت سایر دهستان‌های استان، بیانگر پایین بودن تراکم جرم نسبت به سطح است. نقشه شماره ۴ پهنه‌بندی جرائم شهری شهرهای استان و فراوانی نوع جرایم را نشان می‌دهد، نتایج حاکی از آن است که در شهر گنبد کاووس بیشترین نوع جرم، سرقت و پس از آن خودکشی و کمترین آن آدم‌ربایی و ترافیک بوده است. در شهر گرگان بیشترین نوع جرم سرقت سپس خودکشی و کمترین نوع جرم ترافیک و کلاهبرداری، در شهر مینودشت بیشترین نوع جرم قاچاق مواد مخدر، در شهر آق‌قلا خودکشی، در شهر بندر ترکمن خودکشی و قتل، در شهر کردکوی خودکشی، در شهر بندرگز سرقت و قاچاق مواد مخدر، در آزادشهر، رامیان و علی‌آباد سرقت و در شهر کلالة بیشترین نوع جرم خودکشی است. نقشه‌های شماره ۵ و ۶ علاوه بر نوع فراوانی، نحوه پراکنش این جرایم را در سطح شهرهای گرگان و گنبد نشان می‌دهند.



نقشه شماره ۴: پراکنش فراوانی میزان نوع جرم در شهرستان‌های استان گلستان



نقشه شماره ۵: پراکنش فراوانی جرایم در سطح شهر گرگان



نقشه شماره ۶: پراکنش فراوانی جرایم در شهر گنبد کاووس

گیری

نتایج تجزیه و تحلیل و پردازش لایه‌ی نقطه‌ای وقوع جرم و هویت مکانی در سطح استان گلستان و شهرستان‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم تمایز میزان و درجه رشد و توسعه‌یافتگی شهرها و شهرستان‌های استان، نسبت به مناطق روستایی از حیث خدمات اجتماعی موجود از شرایط مشابه و مطلوب‌تری برخوردار هستند، ولی آنچه که امروز زندگی در شهرها را با آشفتگی بیشتری مواجه نموده وجود مهاجرانی با فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف، تعداد زیاد مردان مجرد و جوان، اختلاف طبقاتی، بیکاری شدید، مشکلات اقتصادی و درآمدی، کمبود مسکن مناسب و ... می‌باشد. تطبیق نتایج این بررسی و مطالعات نظری و تجربی ارائه شده در پاره‌ای از موارد قادر به تبیین پدیده مکانهای جرم‌خیز و آسیب‌زای شهری و پهنه‌بندی آنها در استان گلستان می‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه گردید شهرهای گنبد کاووس و آزادشهر به نسبت جمعیت تراکم جرم بیشتری داشته‌اند و در سطح دهستان، بیشترین تراکم جرم نسبت به جمعیت اختصاص به دهستان‌های انجیراب و سلطانعلی داشته است. همچنین تراکم نقطه‌ای جرم در محله انجیراب شهر گرگان است. تأمل بر بافت شهری و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناطق مذکور گویای تبیین نتایج مطالعات متفکران مکتب اکولوژی از جمله «شاو» و «مک‌کی» مبنی بر تأثیر متغیرهای جمعیتی (ساخت جنسی و سنی) و اقتصادی (درآمد) و مشخصه‌های مکانی (از جمله مشخصات مناطق مختلف شهری یا محل سکونت مجرم) در رابطه با جرم می‌باشد.

بررسی حاضر نشان داد بیشترین فراوانی نوع جرم در دو شهر بزرگ استان، گرگان و گنبد کاووس به ترتیب به سرقت و خودکشی اختصاص داشته است در عین حال میزان فراوانی وقوع جرم در نواحی و نقاط شهرهای فوق متفاوت است. همچنین بیشترین فراوانی نوع جرم در شهر مینودشت به قاچاق مواد مخدر، در شهر آق‌قلا خودکشی، در شهرستان بندرترکمن خودکشی و قتل، در شهرستان کردکوی خودکشی، در شهرستان بندرگز سرقت و قاچاق مواد مخدر، در شهر آزادشهر، رامیان و علی‌آباد سرقت و در شهرکلاله بیشترین وقوع جرم به خودکشی اختصاص داشته است. همچنین بررسی افزایش تراکم نقطه‌ای جرم بر حوزه تراکم

جمعیتی ناظر بر این موضوع است که فضاهاى شهری می‌توانند بر میزان و شدت و ضعف جرایم تأثیر بگذارند بررسی مکانهای وقوع در سطح استان گلستان نشان داد برخی از مناطق و نقاط شهری مستعد بروز و افزایش جرایم مشابه و برخی مکان‌های جغرافیایی، جرایم دیگری که تا حدودی مشابه و ناظر بر ویژگی‌های ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناطق است، را در خود پرورانده‌اند. همچنین بررسی وضعیت پراکنش مکانی در استان گلستان و شهرستان‌ها مؤید برخی از نظریه‌های ارائه شده نیز می‌باشد، از جمله دورکیم که عقیده داشت بین افزایش جرایم و افزایش جمعیت رابطه مستقیمی وجود دارد همچنین به عقیده «ورث» نیز، شهرنشینی نتایجی از قبیل افزایش جمعیت، افزایش تراکم، با هماهنگی یا اختلاف جمعیت را در پی دارد که خود باعث پیامدهای اجتماعی و روان‌شناسی در زندگی شهری می‌شود روند شتابان شهرنشینی در دهه‌های اخیر و میزان رشد جرایم گویای این واقعیت می‌باشد. نظریه «هال» بر رابطه بین افزایش جمعیت و رشد و توسعه شهرنشینی و افزایش جنایت و بزهکاری تأکید می‌کند که با افزایش جمعیت و رشد کالبدی شهر؛ تغییرات اجتماعی و مسائل ناشی از آن ایجاد می‌گردد. مطالعات لانسینگ (۱۹۷۰) نشان می‌دهد که با افزایش تراکم، انزوایی اجتماعی و در پی آن کالبدی نیز افزایش می‌یابد به طوری که روابط همبستگی منفی بین تراکم جمعیت و شناخت همسایه وجود دارد. حیدری در بررسی وضعیت جرم و رابطه آن با شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی و جمعیتی کشور طی ده سال گذشته (۱۳۷۰-۱۳۸۰) پرداخته که نتایج حاصله به نحو معنی‌داری افزایش نقاط آسیب‌زا و میزان جرایم را نشان می‌دهد. مقایسه نقاط آسیب‌پذیر استان از زوایای مختلف کاملاً بر اساس یافته‌های مطالعات پیشین قابل تبیین می‌باشد.

همچنین بر اساس رویکرد دانشمندان بوم‌شناسی که بین رفتارهای مختلف انسانی و عوامل محیط طبیعی مانند آب و هوا و زمین و نوع منابع طبیعی مانند کوهستانی بودن محل سکونت و نواحی شهری و روستائی رابطه مستقیمی قائل می‌باشند. تأمل بر فراوانی و نوع جرم‌ها بر حسب فصل‌ها در این استان، تا حدودی از این منظر بالاخص در فصل کشاورزی که مسائل خاص خود را دارد و همچنین در دوره بیکاری فصلی، قابل تبیین است. پیشگامان مکتب اکولوژی شهر شیکاگو همه مسائل اجتماعی - از جمله میزان جرایم - را در تفاوت‌ها و

خصیصه‌های مکانی جستجو می‌نمایند. امس راپاپورت تفاوت محیط‌های کالبدی را ناشی از «تفاوت‌های فرهنگ‌ها» می‌داند. گسیل مهاجرت از روستاها به سوی شهرها و بالاخص شرایط طبیعی و اقلیمی مساعد این استان که پذیرای خیل عظیمی از مهاجران استان‌های مختلف کشور به خصوص نواحی شرقی و بروز تفاوت‌های فرهنگی به جهت تکرر قومی، و عدم توازن منطقه‌ای رفتارهای بزهکارانه در این مناطق بیش از سایر نقاط استان می‌باشد. ساکنان نواحی حاشیه‌نشین شهرها بر اساس نظریه پنجره شکسته جیمز ویلسون و جورج کلینگ، در محله‌هایی که در آن نمادهای بی‌توجهی وجود دارد، احساس محرومیت و بیگانگی اجتماعی در مردم این محله‌ها باعث بروز کاهش پیوند آنها با ارزش‌ها و هنجارها شده و در نتیجه، بسیاری از رفتارهای آنومی در این مناطق حتی به صورت عادی جلوه‌گر می‌نماید.

منابع

- رضازاد،. راضیه (۱۳۸۴)، زمان، سرعت و ضرب آهنگ زندگی شهری؛ مدیریت شهری، شماره ۹.
۲. سفیری، سعید (۱۳۸۱)، شهر در گذر جرایم: نقش آفرینی شوراها در تأمین امنیت شهری؛ مجله شهرداریها، سال چهارم، شماره ۴۱.
۳. سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۴)، اثرات جمعیت بر ناهنجاریهای اجتماعی؛ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۹.
۴. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶)، تأثیر ویژگی‌های فضای شهری بر پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی؛ مجموعه مقالات نخستین همایش علمی کاربردی ارتقای امنیت اجتماعی، گرگان: پیک ریحان.
۵. شکویی، حسین (۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهرها؛ تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
۶. شیخاوندی، داور (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعی ایران؛ تهران: نشر قطره.
۷. کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۹)، مبانی جرم‌شناسی؛ جلد ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. کامیار، غلامرضا (۱۳۷۹)، حقوق شهرسازی؛ تهران: انتشارات مجد.
۹. مافی، عزت‌الله (۱۳۷۸)، جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری (وین - مشهد)؛ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۵۲ و ۵۳، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۰. مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)؛ تبریز: انتشارات نوبل.
۱۱. موسوی، سیدعقوب (۱۳۸۱)، پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلان شهرها؛ مجله مدرن، شماره چهارم.
۱۲. هال، ادواردتی (۱۳۷۶)، بعد پنهان؛ ترجمه: منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
13. Taylor, B. RalPK. (1998), Crime and Pcale: National institute of Justice (NIJ); at: <http://WWW.Nij.com>
14. Taylor, RalPKB. (1997), Crime and small-Scale Pcale: what we know.
15. Akers, Ronald L & Christen, S Sellers. (2004), Criminological Theories, Introduction, Evaluation and Application; Fourth Edition, Losangeles: Roxbury Publishing company.
16. Anselin, Luc. (2000), Spatial Analysis of crime, National institute of Justice(NIJ); at: <http://www/nij.com>.
17. Knox, Paul. (1993), Urban social Geography; Longman Scientific & technical, New York.
18. Walmsly, D.J. (1988), urban Living; Longman scientific & Technical, New York.
19. Rapoport, Amos. (1977), Human Aspects of urban form; Newyork: Pergamen Press.
20. Smith, Peter F. (1977), The syntax of cities; London: Hutchinson.
21. Coleman, Alice. (1988), Design Improvement of problem Estates, in sim. J.D, safety in the Built Environment; E & F.N. spon, Cambridge.
22. Giddens, Anthony. (1990), Sociology; Newyork: polity press.

23. Sherman, L. (1989), Hotspots of predatory crime, Routine Activities and the criminology of place.
24. Brown, Laure. (2000), Geography of crime; university of Wollongong, School of Geosciences, at: <http://WWW.geos.242.com>
25. Kepel, George. (2004), Islam and the West; London: London University Press.

